

فعالیت‌های شبکه جاسوسی آلمانها در ایران

۷ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۹:۵۹

مأموران آلمان نیک ماندانستند که همرنگی، همدلی و هماهنگی با مردم رمز اصلی موفقیت خواهد بود، لذا آنان با وسواس خاصی در حفظ ظاهر می‌آکوشیدند. آنان در همه مراسم، به ویژه اعیاد و عزاداریها، فعالانه شرکت داشتند. چنانکه معروف است خبر حضور فن‌کار در آلمان در مجلس تعزیه‌خوانی سالار سلطان فرزند عضدالملک قاجار که در آن رجال سیاسی نیز شرکت داشتند به یکباره در سراسر کشور پیچید تا آنجا که واعظان زبان به دعای آلمانها گشودند..

در جنگ اول موقعیت ژئوپلیتیک ایران به دلیل همسایگی با کانونهای بحران و مجاورت با امپراطوریهای متخاصم و نیز ممالک ثروتمند نظیر هند و همچنین تسلط جغرافیایی بر منابع انرژی جهانی مانند نفت، کشور را در حالتی آسیب‌پذیر نگاه می‌آداشت. گرایشهای متفاوت و گاه معارض جامعه سیاسی در رویارویی با بحرانهای فراگیر نیز به این وضعیت متزلزل بیش از پیش دامن ماند. از آنجا که در گذشته حفظ بلطرفی به دلیل ضعفهای مفرط اقتصادی و نظامی ایران و نیز مداخله قدرتهای بزرگ اساساً امکانپذیر نبود و ایران به‌رغم تمایلش به اشغال متفقین در ماند، جامعه ایران نیز به ناگزیر واکنشهای خصمانه نشان ماند. تمایلات آلماندوستی و فعالیت گسترده هواداران آن کشور و نیز به رهبرداری متحدین از این وضعیت با توجه به واقعیات سیاسی موجود کشور، ایران را خواه ناخواه به عرصه منازعات، کشمکشها و جنگهای داخلی سوق ماند و در حقیقت سراسر مناطق مرکزی جنوبی و غرب کشور به کانون شورشها و قیامهای ضد متفقین تبدیل ماند و تلاش روس و انگلیس برای سرکوب این حرکتها طبیعتاً نتیجه ای جز ویرانی و تخریب هرچه بیشتر در پی نداشت. اما در نتیجه همین تلاشها بود که سرانجام احساسات ضد انگلیسی را در میان ایرانیان به شکلی فزاینده وسعت بخشید که در عمل بسیاری از مطامع امپریالیسم بریتانیا در این کشور با مشکلات جدی مواجه ساخت که مشهورترین آن ناتوانی و ناکامی انگلیس از تحمیل قرارداد تحت الحمایگی ۱۹۱۹ بود. اما سالها وقت لازم بود تا ایرانیان دریابند که «حقیقت نه این است نه آن».

یک تحلیل کلی و منطقی از تلاش آلمانها در ایران، که نهایتاً به یک رشته قیامهای ضد متفقین در سراسر کشور و همچنین جنبش «مهاجرت» و «دولت ملی» منتهی گشت، نشان ماند که اقدامات آنها پشتوانه قدرتمند مردمی و حمایتهای بی دریغ جامعه ایران را به همراه داشته است؛ چه، تلاش آشکار در سرزمینی که دشمن (روس و انگلیس) در جای جای آن پایگاههای نفوذی داشت و وجب به وجب کشور را شناسائی کرده بود و جاسوسان آن فعالیتها و تحرکات ملت را تحت‌نظر داشتند، بدون پشتیبانی های وسیع مردمی اساساً امکانپذیر نبود. نقطه ضعف متفقین و نقطه قوت متحدین در همین حقیقت نهفته بود.

مروری بر فعالیت‌های شبکه جاسوسی آلمانها در ایران

عمال سیاسی و نظامی آلمان زیر پوشش عناوین متخصص فنی، معلم، پزشک، نمایندگان شرکت‌های تجاری و صنعتی، فرستادگان کلیسا، زمین‌شناس، جانورشناس، محقق، گیاه‌شناس، کاوشگر و ده‌ها عنوان دیگر در سراسر کشور مشغول فعالیت بودند. این تلاشها که در سالهای نزدیک به جنگ جهانی شروع شده بود در سالهای جنگ به شکلی فزاینده روبه گسترش نهاد. مأموران آلمانی با تدبیرها و شیوه‌های منحصر به‌فرد خود جامعه ایران را بر ضد اتباع و منافع روسیه و بریتانیا به شورش واداشتند که در این گفتار به فعالیت برجسته‌ترین چهره‌های آن نظر خواهیم افکند.

جاسوسان اعزامی آلمان، قبلاً طی سفرهای متعدد خود به مناطق مختلف ایران ضمن آشنائی با اوضاع اقلیمی - جغرافیایی، از فرهنگ، اعتقادات، باورهای قومی و مذهبی مردم شناخت کامل حاصل کرده بودند. به همین دلیل آنان به آسانی توانستند خود را به هیئت مسلمانی و لباس ایرانی بی‌ارایند. نیدر مایر یکی از شاخص‌ترین چهره‌های جاسوسی آلمان در این باره می‌گوید: با طرز تغذیه و نحوه زندگی ایرانیها از دیرباز آشنا بودم. هنگامی که زیر نظر کسی بودم، درست مانند اهالی بومی وضو ملا گرفتیم و نماز می‌خواندم... ۱

مأموران آلمان نیک می‌دانستند که هم‌رنگی، همدلی و هماهنگی با مردم رمز اصلی موفقیت خواهد بود، لذا آنان با وسواس خاصی در حفظ ظاهر می‌آکوشیدند. آنان در همه مراسم، به ویژه اعیاد و عزاداریها، فعالانه شرکت داشتند. چنانکه معروف است خبر حضور فن‌کاردار سیاسی آلمان در مجلس تعزیه‌خوانی سالار سلطان فرزند عضدالملک قاجار که در آن رجال سیاسی نیز شرکت داشتند به یکباره در سراسر کشور پیچید تا آنجا که واعظان زبان به دعای آلمانها گشودند و از اینکه ملت قهرمان و قدرتمند آلمان به دین اسلام درآمده‌اند اظهار شادمانی نمودند. حتی گفته می‌شود احمد شاه از مورخالدوله پرسیده بود که آیا راست است که دیروز شارژ دافر آلمان در تعزیه‌گریه کرده است؟! ۲

شبکه‌های گوناگون جاسوسی آلمان، در آغاز، قلمرو ایران را به‌عنوان حوزه‌های فعالیت میان خود تقسیم کردند. برای آنکه جامعه ایران تا آستانه انفجار تحریک گردد، تلاش‌ها بر این محور استوار بود تا با مهارت و چیرگی تمام از هرگونه برخورد خشن نظامی، پرهیز شود. برای نیل به این مقصود، کارگزاران آلمان همه موازین سیاسی و قواعد دیپلماتیک و آداب کنسولی را زیر پا نهادند. هرچند دولت ایران آنها را از تأسیس هرگونه کنسولگری یا تجارتخانه بازداشته بود اما عوامل آلمان کماکان بدون اجازه دولت ایران خود را کنسول می‌خواندند و به نحو روزافزونی راهی ایران می‌آشدند. ۳ هیئت‌های اعزامی در منطقه عملیاتی خود با تشکیل شعبه‌های تبلیغی و نظامی، از نوعی خودمختاری برخوردار بودند. اما به‌منظور ممانعت از ایجاد وقفه در فعالیت‌های موردنظر و جلوگیری از بروز خسارتها و زیانهای پیش‌بینی نشده همه این هیئت‌های پراکنده تحت فرمان یک رهبر و یک مرکز واحد تلاش می‌آکردند ۴ و به احتمال بسیار این مرکز هماهنگ‌کننده همان سفارت آلمان در ایران بوده است.

برای دفع تهدیدات نظامی عوامل متفکین یا مقابله با آن، مأموران آلمان همواره مسلح حرکت می‌آکردند ضمن آنکه بسیاری از هواداران ایرانی خود را نیز مسلح و مجهز ساخته بودند. اسناد و شواهد موثق نشان می‌آدهند که کنسولگریهای آلمان به تبع کنسولگریهای روس و انگلیس - که هر یک گاردی مرکب از هندی و قزاق برای حفظ امنیت خویش از سالها پیش در اختیار داشتند - خواستار تشکیل گاردی مشابه در ایران بودند. ۵ هرچند این تلاشها ناکام ماند اما آلمانها در راه پیشبرد مقاصد سیاسی - نظامی خویش، همواره مقادیر عظیمی سلاح و مهمات، از طریق خاک عثمانی وارد ایران می‌آکردند. اسناد و گزارشهای به‌آجا مانده از کارگزاری کرمانشاه نشان می‌آدهد که هرچند روز یکبار، محموله‌های هنگفتی اسلحه از مرزهای کرمانشاه می‌آگذشته است. ۶ همچنین در گزارش سفارت روسیه آمده بود که آلمانها مقدار چهل هزار قبضه تفنگ، تنها طی سالهای نخست جنگ، میان ایلات

در کنار این فعالیتها عوامل آلمان عده‌ای از سواران محلی را با حقوق مکفی به استخدام گرفته بودند، در شهرهای مختلف خانه‌هایی کرایه نموده در خوراک، لباس و رفتار چنان شبیه ایرانیان عمل می‌کردند که کمتر شک برمی‌انگیخت. در سختترین موقعیتها هنگامی که عوامل متفقین ارتباط میان تهران و مناطق غربی کشور (در مجاورت با عثمانی متحد آلمان) را قطع می‌کردند یا بشدت تحت کنترل می‌گرفتند، طبیعتاً ارسال گزارش به وسیله نامه یا تلگراف ممکن نبود. در اینگونه مواقع سفارت آلمان اطلاعات لازم را به رمز بر «نوارهای پارچین» ماشین می‌کرد. آنگاه این نوارها بر زیرشلواری یکی از مستخدمین سفارت دوخته می‌شد و از این طریق از تهران به کرمانشاه می‌رسید، رازی که به‌رغم هوشیاری و سختگیری بازرسان تا پایان از نگاه متفقین پنهان ماند. ۸. بدین ترتیب، متناسب با موقعیتهای متفاوت هر یک از آنان شیوه و شگردی خاص در پیش می‌آ گرفتند. برجسته‌ترین و شناخته‌ترین چهره آلمانی در ایران در خلال جنگ جهانی اول بی‌تردید «واسموس» بود، دوشادوش او جاسوسانی چون «نیدر مایر»، «سوگمایر» و «شونمان» فعالیت می‌کردند. تکمیل‌کننده تلاشهای آنان کارگزارانسیاسی و نظامی نظیر پرنس رویس، کنت کانیتز، دکتر واسلنادلنی، و زومروند، گروه اخیر راهنمای حرکت‌های سازماندهی شده سیاسی و دیپلماتیک مانند «جنبش مهاجرت»، «دولت ملی»، و روابط با آلمان به‌شمار می‌آ گرفتند، که بررسی اقدامات هر یک از آنان مجال دیگری می‌طلبد.

پی نوشتها:

۱. اسکارفن نیدر مایر. زیر آفتاب سوزان ایران. ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، نشر تاریخ معاصر ایران، ۱۳۶۳، ص ۲۶۰.
۲. احمدعلی سپهر مورخالدوله. ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴). تهران، انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۳۶. ص ۴۴.
۳. جیمز فردریک مابریلی. عملیات در ایران جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۹. ترجمه کاوه بیات، تهران، رسا، ۱۳۶۹. ص ۸۷.
۴. اسکارفن نیدر مایر. پیشین. ص ۳۸.
۵. بهروز قطبی. اسناد جنگ جهانی در ایران. تهران، نشر قرن. چاپ اول، ۱۳۷۰. ص ۱۶۵.
۶. کاوه بیات. ایران در جنگ اول اسناد وزارت داخله. تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹. صص ۷۱ - ۷۰، سند شماره ۱۱۶۱.
۷. همان منبع، ص ۳۷، سندهای شماره ۱۶۷۲ و ۵۳۲۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۳۳۵/ایران-آلمانها-جاسوسی-شبکه-فعاليتها/>